

نقدی بر کتاب‌های تاریخ شفاهی در حوزه دفاع مقدس به انگیزه‌اند

لرزم نگاه منصفانه به شک

علی نورآبادی

نویسنده



اشاره: تولید و رونق «تاریخ شفاهی» در دهه اخیر، اتفاق مبارکی است که باید آن را به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد. اکنون تاریخ شفاهی به یک گونه پرطرفدار و پررونق در صنعت نشر و فضای فرهنگی و ادبی کشور تبدیل شده است. نهادها، مراکز، ناشران دولتی و غیردولتی و حتی اشخاص حقیقی آثاری در این

زمینه تولید و منتشر کرده و می‌کنند. درباره تاریخ شفاهی زیاد گفتند و نوشتند که تکرار دوباره آن ملال‌آور است. از جمله فعال‌ترین بخش‌ها در زمینه انتشار آثار تاریخ شفاهی، نهادهای دولتی و غیردولتی حوزه دفاع مقدس است. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (زیر نظر سپاه) نیز یکی از مراکزی است که در سال‌های اخیر آثار قابل توجهی را در زمینه تاریخ شفاهی فرماندهان جنگ منتشر کرده است که از جمله آنها می‌توان به «تاریخ شفاهی محسن رضایی (فعلات ۲۱ جلد)»، «تاریخ شفاهی حسین علایی»، «تاریخ شفاهی سیدیحیی صفوی» و... اشاره کرد. به دلیل جایگاه بالای این

فرماندهان که مسئولیت‌های اصلی را در دوران دفاع جنگ در دست آنان بوده است، تاریخ شفاهی آنها و علاقه‌مندان به تاریخ دفاع مقدس، مطالعه خاطرات این آخرین کتابی که از این مجموعه مطالعه کردم، «تاریخ سیدیحیی صفوی» است که تاکنون دو جلد از آن منتشر منتشر شده این مرکز را می‌شود به صورت جداگانه بر



تحلیل‌های بعد از جنگی

■ بخش قابل توجهی از کتاب‌های تاریخ شفاهی، خاطرات شخص مصاحبه‌شونده نیست بلکه تحلیل‌ها و نظرات او درباره اتفاقات و حوادث جنگ است. به عبارت دیگر راوی، خاطرات شخصی خود را از آن روزها و اتفاقات نمی‌گوید بلکه تحلیل‌هایش را که بعد از جنگ با مطالعه کتاب‌ها و از جای دیگر به دست آورده، بیان کرده است. یعنی اتفاقات، عملیات‌ها و صحنه‌های جنگ را با نگاه و تحلیل بعد از جنگی که همه چیز مشخص و معلوم شده است، تعریف می‌کند. خاطرات به گونه‌ای بیان می‌شود که انگار همه اتفاقات و حوادث را از قبل می‌دانسته است. مثلاً می‌گوید: «به نظر من اگر این‌طور می‌کردیم، بهتر بود.»، «من می‌دانستم این اشکالات به عملیات وارد است.»، «ما نباید این کار را می‌کردیم.»، «من گفته بودم که این عملیات، شکست می‌خورد.» و از این‌گونه عبارات. خلاصه این که مصاحبه‌شونده در جایگاه «دانای کل» ننشسته و به گونه‌ای، حوادث و اتفاقات را روایت می‌کند که انگار از پیش، همه چیز را می‌دانسته و پیش‌بینی می‌کرده است. این دوستان نباید فراموش کنند که آن روزها در جایگاهی نبودند که همه این چیزها را بدانند. اگر این کتاب‌ها با دقت مطالعه شود، خواننده متوجه می‌شود هر جا که خود راوی در متن حوادث حضور داشته است، خاطرات تازه و نابییان می‌کند اما در صحنه‌ها و جاهایی که حضور نداشته یا دستی از دور بر آتش داشته به کلی‌گویی و تحلیل‌های بعد از جنگی روی می‌آورد. مثلاً بخش‌هایی از کتاب «تاریخ شفاهی حسین علایی» خاطرات شخصی او نیست، بلکه تحلیل‌های او بعد از جنگ و بعد از حادثه است که با مطالعه اسناد و آثار دیگر کسب کرده است. نه این که تحلیل وقایع گذشته فی‌نفسه اشکالی داشته باشد، بلکه غرض تذکر این نکته است که اینها خاطرات شخصی مصاحبه‌شونده و راوی نیست. در بخش‌هایی از کتاب دو جلدی «تاریخ شفاهی سیدیحیی صفوی» هم عیناً همین مسأله دیده می‌شود و همچنین دیگر آثار تاریخ شفاهی. به هر حال یکی از آسیب‌های آثار تاریخ شفاهی این است که حوادث و اتفاقات جنگ با نگاه و تحلیل امروزی روایت می‌شود. روایت تاریخ دفاع مقدس با نگاه و تحلیل امروزی نه فقط تحریف تاریخ جنگ را در پی دارد، بلکه خود آثار را هم از استناد و اعتبار ساقط می‌کند.

سیاست‌زدگی آثار تاریخی

■ «سیاست‌زدگی» یکی از آسیب‌های جدی کتاب‌ها به طور کلی آثار دفاع مقدس در سال‌های اخیر است. متأسفانه هرچه جلوتر می‌آییم این مورد در آثار بیشتر و سیاست‌زدگی، یعنی آن که راویان، خاطرات خود و مسائل به نگاه سیاسی و جناحی امروز خود بیان می‌کنند. جالبه مواردی برمی‌خوریم که چون دیدگاه‌ها و نظرات سیاسی سال‌های مختلف تغییر کرده، خاطرات و تحلیل‌های او جنگ نیز عوض شده است. به گونه‌ای که او یک خاطر دو دوره مختلف به دو گونه روایت کرده که گاهی این د متناقض است. سیاست‌زدگی، موجب حذف و اضافه، کمزربالا و پایین کردن بسیاری از حوادث و خاطر

پیروزی‌ها و شکست‌ها در تاریخ جنگ

■ در برخی آثار تاریخ شفاهی شاهدیم فرماندهان و راویان تا مقطع فتح خرمشهر را که دور پیروزی‌هاست بسیار مفصل و به اصطلاح پر و پیمان تعریف و روایت می‌کنند. حتی لحن روایت‌های این دوره متفاوت است. راویان در این دوره، خاطرات خود را با لحن محکم و پیروزمندانه تعریف می‌کنند اما از عملیات رمضان (تیر ۶۱) که دور شکست‌ها و ناکامی‌ها شروع می‌شود، محافظه‌کارانه برخورد می‌کنند. بسیاری از حقایق را نمی‌گویند یا اگر می‌گویند ناقص، کلی و مبهم بیان می‌کنند. اختصار، کلی‌گویی، مبهم‌گویی، اختلافات و گاه حتی تناقض‌گویی از جمله ویژگی‌های روایت‌ها و خاطرات در این مقطع از جنگ است. هر کس روایت خودش را بیان می‌کند و این روایت‌ها با یکدیگر اختلافاتی دارد و حتی گاه متضاد هستند. تاکنون کمتر شاهد بودیم که کسی سه چهارماه آخر جنگ را تبیین و تحلیل‌کند. حتی فرماندهان اصلی جنگ نیز در خاطرات و تاریخ شفاهی‌های خود کمتر به اتفاقات تلخ این دوره می‌پردازند. فراموش نکنیم که تاریخ جنگ، حاصل جمع همه پیروزی‌ها و شکست‌هاست.



یک

■ گاهی با مطالعه برخی کتاب‌های تاریخ شفاهی افسوس خوردم که کاش فرماندهان و مسئولان جنگ رضایی، سیدیحیی صفوی، علی شمخانی و دیگران، بعد از ۵۹۸ و پایان رسمی جنگ که اسلحه خود را زمین گذاشتند به دست می‌گرفتند و خاطرات خود را می‌نوشتند. کاش پست‌های اجرایی و مسئولیت‌های سیاسی بعد از جنگ خود را صادقانه و صمیمانه می‌نوشتند و برای ند می‌گذاشتند. کاش این کار را قبل از این که هیچ پست و م انجام می‌دادند. خدمتی که آنها با نوشتن خاطرات خود پستی نبود که قبول کرده بودند. نوشتن خاطرات یا انتشار آن هم ۴۰ سال بعد از جنگ هر چند بجا و ضروری است اما جمله این که بسیاری از جزئیات فراموش شده است و ه نگاه‌های بعد از جنگ، قطعاً در نحوه تعریف خاطرات را موارد از جمله آسیب‌های جدی تاریخ شفاهی است که